

اجتماعات محلی: ریشه‌ها و سیاست‌های طراحی

✦ محمدرضا پورجعفر

دانشیار و مدیر گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

✦ علی رضاصادقی

دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه تربیت مدرس

✦ مسعود خادمی

دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه تربیت مدرس

✦ زاهد یوسفی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

امروزه گسترش اجتماعات محلی در دستور کار برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار دارد. به نظر می‌رسد در فرآیند طراحی اجتماعات محلی باید این نکته مد نظر قرار گیرد که یک اجتماع محلی خوب و کارا نباید دارای هیچ‌گونه برخورد و تضادی باشد، اجتماع بایستی دارای ظرفیت‌هایی باشد تا بتواند تضادهای موجود را به‌گونه‌ی مؤثری رهبری کند. از اینرو این نوشتار بر آن است تا در رویکردی توصیفی-تحلیلی، مفاهیم مرتبط با اجتماعات محلی و نحوه‌ی مداخله در آنها و همچنین سیاست‌ها و راهنماهای طراحی اینگونه عرصه‌های جمعی را مورد مذاقه قرار دهد.

کلید واژه

اجتماعات محلی، الگوهای مداخله در اجتماعات محلی، سیاست‌های طراحی اجتماعات محلی

مقدمه

در طول دهه‌ی ۱۹۸۰ مفهوم توسعه‌ی پایدار به مثابه راه حلی فراگیر جهت حل مشکلات فراروی تأمین نیازهای جمعیت به سرعت روبه‌رشد و به حداقل رساندن صدمات وارده به محیط زیست مطرح شد. امروزه دولت‌ها، گروه‌ها و نهادهای مختلف همه بر

این باورند که مسائل و مشکلات زیست‌محیطی بسیار جدی‌تر از آنچه‌ی است که در گذشته به آن نگاه می‌شد و راهکارهای مشکلاتی که گریبان‌گیر جوامع امروزین است نه‌تنها صرفاً فنی و فناورانه نیستند، بلکه بدون تحولات شگرف اقتصادی و اجتماعی این مهم برآورده نخواهد شد. انسان و جامعه‌ی انسانی هدف نهایی هرگونه برنامه‌ریزی است، در این ارتباط برنامه‌ریزی نه‌تنها باید در جهت بهبود کیفیت زیستی اجتماعات انسانی صورت پذیرد بلکه باید با کمک و مشارکت آنها تهیه و اجرا شود. رسیدن به پایداری در توسعه زمانی میسر است که به‌صورتی بهینه از تمامی دارایی‌ها و سرمایه‌های موجود در آن اجتماع استفاده و بهره‌گیری شود. علاوه بر سرمایه‌های طبیعی و فیزیکی سرمایه‌های انسانی و اجتماعی در توسعه‌ی پایدار اجتماعات از جایگاه والایی برخوردارند و در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی پایدار برای اجتماعات بسیار مورد توجه و تأکید می‌باشند.

اجتماعات محلی و ضرورت‌ها

رولند وارین^۱ در سال ۱۹۷۰ در مقاله‌ای زیر عنوان "به سوی مدلی هنجاری غیرآرمانی از اجتماع"^۲ پس از اشاره‌ای روشن به نوشتگان علوم اجتماعی در مورد رهیافت هنجاری برای اجتماع بحث می‌کند، و

داخل اجتماعات بزرگتر بدین معنی است که کنترل اجتماع در پایین‌ترین سطوح امکان‌پذیر است.

الگوهای مداخله در توسعه‌ی اجتماعات محلی

روتمن^۵ سه مدل را به شرح زیر برای مداخله در توسعه‌ی اجتماعات محلی بیان می‌دارد:

راهبرد A: توسعه‌ی محلی با رهیافت خودیاری

مدل توسعه‌ی محلی^۶ با رهیافت خودیاری^۷ متضمن این است که تغییر در اجتماع ممکن است به صورت بهینه بواسطه‌ی مشارکت وسیع یک طیف وسیع از مردم در سطح اجتماع محلی در تعیین اهداف و اقدامات صورت گیرد. توسعه‌ی اجتماع محلی را می‌توان به عنوان فرآیندی تعریف کرد که جهت پیشرفت شرایط اقتصادی و اجتماعی برای تمامی اجتماع و مشارکت فعال آن طراحی شده. از مهمترین مقولاتی که در توسعه‌ی محلی مورد تأکید هستند عبارتند از: روحیه‌های دمکراتیک، تعاون داوطلبانه، خودیاری، توسعه‌ی رهبری محلی و اهداف آموزشی (روتمن ۱۹۷۹).

در این راهبرد، اجتماع به عنوان پدیده‌ای با قابلیت زیست یا با توان زیست‌پذیری مورد توجه است که هیچ‌گونه تضاد خارجی ناسازگار از سلايق در آن وجود ندارد. اجتماع خود تصمیماتش را می‌سازد و خود نیز به اهدافش دست می‌یابد. کار عوامل برنامه‌ریزی یاری رساندن به اجتماع است نه تصمیم‌سازی برای آن. اهداف این راهبرد نیز بیشتر بهبود قابلیت‌های اجتماعی است نه انجام تمام و کمال یک طرح یا برنامه‌ی مشخص. این مدل شدیداً به همکاری‌های داوطلبانه در هیأت‌های بررسی و عمل (اجرا)، نشست‌های وسیع و فراگیر و احتمالاً تأسیس انجمن محلی یا سازمان‌های کوچکی از این قبیل وابسته است.

راهبرد B: مدل برنامه‌ریزی اجتماعی با رهیافت مساعدت فنی (تکنیکی)

تأکید بر یک فرآیند تکنیکی حل مشکل با نظر به مشکلات اجتماعی قائم‌بذات (دارای ماهیت واقعی) مانند تخلف، مسکن، سلامت روان و غیره. در این راهبرد تغییرات عقلانی، آگاهانه برنامه‌ریزی شده و

برای اجتماع سه بعد کلیدی و اساسی قائل می‌شود (۱) خودگردانی اجتماع (۲) زیست‌پذیری اجتماع (۳) توزیع وسیع تصمیم‌گیری یا توزیع پهناور قدرت اجتماعی. او در مقاله‌ای دیگر با عنوان "اجتماع خوب- می‌خواهد چگونه باشد؟"^۳ که در همان سال منتشر شد موارد زیر را به عنوان ابعاد مورد توجه در اجتماع خوب نام می‌برد:

وجود ارتباطات اولیه در گروه؛ یک اجتماع گروهی از انسان‌ها هستند که هر کدام دیگری را به خوبی می‌شناسند^۴. که البته مقصود از شناختن غیر از آن شناختی است که بواسطه‌ی خویشاوندی یا رابطه‌ی کاری ایجاد می‌شود بلکه شناختی است که هر یک از افراد از دیگران به عنوان یک فرد دارند.

خود گردانی؛ تصمیمات برای آنچه که در اجتماع رخ می‌دهد تا جایی که امکان دارد بوسیله‌ی خود مردم اجتماع ساخته شوند، نه بوسیله‌ی افرادی که در خارج از اجتماع هستند و یا بوسیله‌ی دیگر سطوح دولت.

زیست‌پذیری؛ ظرفیت مردم محلی برای رویارویی مؤثر با مشکلاتشان از طریق بعضی از انواع کنشهای مشترک.

توزیع قدرت؛ نحوه‌ی توزیع قدرت و میزان مردمسالاری موجود در اجتماع.

مشارکت؛ اغلب مردمی که خود را در اجتماع مورد توجه قرار می‌دهند بر این باورند که بایستی اجتماع دارای درجه‌ی بالایی از مشارکت باشد. هرچند تعیین میزان مشارکت لازم کار آسانی نیست لیکن به یقین طبیعت و نرخ مشارکت دارای نقشی کلیدی در هرگونه اجتماع خوبی است.

درجه‌ی تعهد؛ روشن است که در هر صورت بایستی سرانجام عده‌ای از مردم با سطوحی از تعهد به اجتماع محلی وجود داشته باشند تا آن جامعه جامعه‌ای خوب قلمداد شود.

درجه‌ی ناهمگنی؛ به سادگی به عنوان یک ارزش قابل پذیرش است که برای مردم بهتر است تا در اجتماعی زندگی کنند که کمابیش مقطعی عرضی از جمعیت هستند تا اینکه در اجتماعاتی زندگی کنند که صرفاً اقتصادی، نژادی یا قومیتی هستند.

میزان کنترل همسایگی؛ نظر به اینکه اجتماعات بایستی تودرتو باشند، وجود اجتماعات همسایگی در

تحت کنترل دارای محوریت هستند. رهیافت چنین پنداشته است که تغییر در اقتصاد محیطی پیچیده‌ی نیازمند برنامه‌ریزان کارآمدی است که بواسطه‌ی تبحری که دارند می‌توانند به خوبی فرآیند پیچیده‌ی تغییر و تحول راه‌دایت و رهبری کنند.

در این راهبرد اجتماع دارای اهمیت کمتری است و به نظر می‌رسد اعضای اجتماع به مثابه مصرف کنندگانی قلمداد می‌شوند که توسط تصمیم سازان محلی و متولیان رفع حاجت می‌شوند. کار عاملان برنامه‌ریزی این است که در زمینه‌های فنی به متولیان و تصمیم‌سازان یاری رسانند تا کیفیت تصمیماتشان بهبود یابد. در این مدل ممکن است میزان مشارکت عمومی دارای درجات متفاوتی باشد، به عبارتی بسته به شرایط مختلف میزان مشارکت ممکن است کم یا زیاد باشد. امروزه به دلیل افزایش پیچیدگی‌های مسائل فراروی اجتماعات امروزی، استفاده از این مدل بسیار عمومیت دارد.

راهبرد C: مدل کنش اجتماعی با رهیافت برخورد (مواجهه)

فرض این مدل بر این است که بخشی از افراد اجتماع دارای شرایط نامساعدی بوده و نیازمند سازماندهی مجدد هستند. اهداف این راهبرد ایجاد تغییرات اساسی در نهادهای بزرگ یا ممارست‌های اجتماع است. کنش اجتماعی به دنبال توزیع دوباره‌ی قدرت، منابع و فرصت تصمیم‌سازی در داخل اجتماع و نیز تغییر سیاست‌های اساسی سازمان‌های رسمی موجود در آن اجتماع است. تمرکز این راهبرد بر قدرت، نحوه‌ی استفاده از آن و توزیع دوباره‌ی آن است. روش اقدام در این راهبرد عبارت است از برخورد و مواجهه، رویارویی مستقیم، کنش مستقیم و مذاکره بر سر مسأله.

عناصر اصلی اجتماع محلی

از اولین چیزهایی که ما درباره‌ی اجتماعات می‌آموزیم این است که هرکس و هرچیزی به عنوان یکی از اجزای دستگاه با اجزای دیگر در ارتباط است. جان میور^۸ می‌گوید: "زمانی که می‌خواهیم چیزی را دور بیندازیم، متوجه می‌شویم که بوسیله‌ی هزارن ریسمان نامرئی به همه‌ی چیزهای موجود در کائنات متصل است." اجتماعات بوسیله‌ی تارهایی از ارتباطات به هم نگه‌داشته

شده‌اند که بعضی از آنها ماوراء اجتماع گسترش یافته‌اند. از اینرو نیروها یا عناصر پویای زیادی در اجتماعات وجود دارند، اما به نظر می‌رسد که در ایجاد پایداری و برپایی اجتماعات محلی پایدار سه عنصر پویای زیر دارای اهمیت ویژه‌ای هستند:

اقتصاد

اولین عنصر پویای اجتماع محلی اقتصاد است. اقتصاد عبارت است از مدیریت استفاده از منابع جهت برآوردن نیازهای خانوار و اجتماع. اصطلاح اقتصاد در ریشه‌ی تاریخی خود به مدیریت یک خانوار اشاره دارد. اقتصاد اجتماع محلی نیز به مانند اقتصاد یک خانوار است که البته کل اجتماع را شامل می‌شود و در مقیاس وسیعتری مطرح است. مدیریت خانوار شامل، تعیین بودجه و برنامه‌ریزی منابع برای تأمین مسکن مناسب، غذا و پوشاک کافی و دیگر تسهیلات ضروری است. مدیریت یک خانوار همچنین شامل آماده‌سازی جوانترها برای استقلال و مراقبت از آنهایی که نمی‌توانند از خود نگهداری کنند می‌باشد.

همچنان که یک خانوار بایستی به نیازهای اساسی خود دست یابد، یک اقتصاد سالم و پایدار محلی نیز بایستی بتواند به نیازهای ضروری عمومی اجتماع محلی دست یابد. این نیازها شامل نیازهایی از جمله نیاز به کار و درآمد، مسکن و زمین در حد توان، کسب وجهه، مراقبت از کودکان، حمل و نقل عمومی، هوا و آب پاکیزه، جمع‌آوری زباله، پارک و تفرجگاه، خدمات اضطراری، مراقبت‌های بهداشتی و مدارس و آموزشگاه‌های مناسب است. بسیاری از فعالیت‌هایی نیز در درون اجتماع محلی وجود دارند که برخاسته از سرمایه‌ی اجتماعی هستند و برای به خدمت گرفتن این فعالیت‌ها به‌طور مرسوم وجهی پرداخت نمی‌شود، فعالیت‌هایی مانند پرورش کودکان، باغبانی، کار منزل، نگهداری نوزاد و کارهای داوطلبانه از این قبیل می‌باشند. این فعالیت‌ها به اجتماع محلی کمک می‌کنند تا توانایی‌اش در رسیدن به نیازهایش بهبود یابد و بنابراین به عنوان بخشی از اقتصاد اجتماع محلی قلمداد می‌شوند. در اغلب اجتماعات، یک اقتصاد غیر رسمی نیز وجود دارد که فعالیت‌های ریز اقتصادی نظیر سمساری‌ها، دکه‌های سبزی فروشی، مبادله‌ی پایاپای، صنایع دستی خانگی و اجرای موسیقی را شامل می‌شود.

پانوش:

1. Roland Warren
2. Toward a Non-utopian Normative Model of the Community
3. The good Community- What would it Be?
4. نقل (Baker Brownell) قول از باکر براونل
5. Rothman
6. Locality Development
7. Self-Help
8. John Muir
9. Ecology
10. Equity
11. World Health Organization 1998

اکولوژی (بومشناسی)

تصمیم‌سازی‌هایی که یک دوره‌ی طولانی‌مدت اقتصاد، اکولوژی و تساوی حقوق در اجتماعات محلی را مورد توجه قرار می‌دهند. این فرآیند تأکید ویژه‌ای بر بهره‌گیری از همه‌ی سرمایه‌های موجود در درون اجتماع و بویژه سرمایه‌های انسانی و اجتماعی دارد. سرمایه‌ی اجتماعی بیانگر درجاتی از همبستگی اجتماعی است که در جوامع وجود دارد. این مفهوم به فرآیندهای میان مردم اشاره دارد که شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی را بنیان می‌نهند و هماهنگی و همکاری را برای رسیدن به منافع دوسویه تسهیل می‌نمایند.^{۱۱} (سازمان بهداشت جهانی ۱۹۹۸)

سیاست‌های طراحی اجتماعات محلی

در جدول صفحه بعد به طور خلاصه، راهنماها و سیاست‌های طراحی شهری اجتماعات محلی بررسی شده‌است.

نتیجه‌گیری

تقریباً تا سه دهه‌ی پیش چنین احساس خوش‌بینانه‌ای وجود داشت که فناوری و پیشرفت‌های چشمگیر آن همه‌ی مشکلات و مسائل بوجود آمده در کره‌ی خاکی را حل خواهد کرد. با گذشت زمان بشر با این حقیقت مواجه شد که پیشرفت‌های فناورانه نه تنها قادر به حل همه‌ی مشکلات جامعه‌ی بشری نیستند بلکه خود در بسیاری موارد عامل اصلی بروز مشکلات هستند. گرم شدن زمین، از بین رفتن جنگل‌ها، کاهش میزان حاصلخیزی خاک، آلودگی آب، آلودگی هوا، آلاینده‌های شیمیایی، از بین رفتن تنوع زیستی، افزایش روزافزون جمعیت، تخریب لایه‌ی ازن و... همه و همه تأثیرات نامطلوب خود را بر روی زیست‌زمین می‌گذارند. هم‌اکنون اجتماعات انسانی با چالش‌هایی بسیار جدی مواجه هستند، از یک طرف فرآیند توسعه امری گریزناپذیر به شمار می‌آید و از طرف دیگر انسان ناگزیر است تا جهت حفظ زندگی خود محیط زیست خود را نیز محافظت نماید، و این در حالی است که این دو مطلوب بشر در دو نقطه‌ی مقابل هم قرار گرفته‌اند زیرا توسعه‌ی شتاب‌زده‌ی اقتصادی و روند توسعه‌ی صنایع همواره تهدیدی جدی برای محیط زیست بوده است.

اکولوژی^{۱۲}، دیگر عنصر پویای اجتماع محلی، عبارت است از الگوی ارتباطات میان عناصر زنده و محیط زیست پیرامونشان. همه ما شماره‌ی کفش‌هایمان را می‌دانیم اما چند نفر از ما اندازه‌ی جای پای بومشناختی خود، مقدار هوا، زمین و آبی را که حیات ما را پشتیبانی می‌کنند می‌دانیم؟ هر اجتماعی با مصرف منابع طبیعی و تولید ضایعات یک جای پای بومشناختی از خود برجای می‌گذارد. تقریباً هر تصمیمی که یک اجتماع اتخاذ می‌کند به‌طریقی بر محیط زیست نیز تأثیر می‌گذارد. اجتماعاتی که کامیابی دیرپای را در آرزو دارند و به پایداری می‌اندیشند فعالیت‌هایی را پیش می‌گیرند که منابع طبیعی را برای نسل‌های آینده حفظ کرده و بهبود بخشند.

تساوی حقوق

سومین عنصر پویای اجتماع تساوی حقوق^{۱۳} یا انصاف است. کمال مطلوب در یک اجتماع این است که هرکسی در رفاه آن اجتماع سهیم باشد. اگر اجتماع موفق باشد افراد نیز بهره می‌برند و اگر اجتماع ضعیف عمل کند آنها نیز زیان می‌بینند. تساوی حقوق عبارت است از انصاف در ارتباطات میان مردم، گروه‌های مردمی و نسل‌های مردم اجتماع. زمانی که انصاف حاکم باشد، تصمیم‌ها نیز برپایه‌ی انصاف اتخاذ می‌شوند و هرکسی (بدون توجه به نژاد، درآمد، جنس، سن یا توانایی) دارای فرصت‌هایی متناسب با شأن خود است. یک اجتماع مبتنی بر تساوی حقوق فرصت مشارکت در تمامی فعالیت‌ها، تصمیم‌سازی‌ها و مزایا را برای همه افراد فراهم می‌آورد.

این سه عنصر چارچوبی را برای اجتماعات محلی فراهم می‌آورند تا بتوانند مکاشفه و پیش‌بینی نمایند که چگونه انتخاب‌هایشان بر آینده تأثیر می‌گذارند. اجتماعات محلی می‌توانند این چارچوب را جهت تشریح چگونگی تأثیر سیاست‌های اقتصادی بر محیط زیست طبیعی و تساوی حقوق در زندگی استفاده نمایند

سه عنصری که به آنها اشاره شد قلب فرآیند توسعه‌ی پایدار اجتماعات محلی هستند. توسعه‌ی پایدار اجتماعات محلی در واقع فرآیند و ظرفیتی است برای

۱. پورجعفر محمدرضا، (۱۳۷۶)، نقش و جایگاه مسجد در برنامه‌ریزی و طراحی محله‌های شهرهای اسلامی، مجموعه مقالات همایش معماری مساجد گذشته حال و آینده، دانشگاه هنر اصفهان
۲. پورجعفر، محمد رضا و علی اکبر تقوایی، (۱۳۸۱)، معیارهای بینه برنامه‌ریزی و طراحی بافت مسکونی شهرها با توجه به ارتباطات مقابل اجتماعی، فصلنامه مدرس هنر، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، شماره اول
۳. پورجعفر، محمدرضا و سهند لطفی، (۱۳۸۱)، دیدگاه‌های نو در گزینه معیار و عبور و مرور در بافت‌های قدیمی، فصلنامه آبادی، شماره ۳۶
۴. پورجعفر، محمدرضا و مصطفی ادب‌خواه، (۱۳۸۲)، بازشناسی هویت فرهنگی و تعلق اجتماعی در محله‌های شهر مورد مطالعه تجریش، همایش توسعه محله‌ای چشم‌انداز توسعه پایدار، تهران
۵. پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۸)، مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها، انتشارات پیام، چاپ اول
۶. عسگری، (۱۳۸۲) گونه‌شناسی مفاهیم و دیدگاه‌های توسعه محله‌ای پایدار، سمینار توسعه محله‌ای پایدار شهرداری تهران
۷. هودسنی، (۱۳۸۴) رویکرد توسعه محله‌ای پایدار، نمونه موردی محله خلفا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت‌مدرس
8. American Planning Association (2006) Planning and urban design standard, John wiley & sons, Inc, p: 242-244
9. Barton, H., (2003) Shaping Neighborhoods, London and New York, Spon Press,.
10. Chavis, D., A. (1990.) Sense of Community in an Urban Environment: A Catalyst for Participation and Community Development; American Journal of Community Psychology 18,
11. Curtis L. & Punter J., (2004) Designed sustainable development: The Liveable Neighbourhoods Experiment in Perth, Western Australia, Town Planning Review,

جدول ۱: اهداف خرد، سیاست‌ها و راهنماهای طراحی شهری اجتماعات محلی
 ماخذ: نگارندگان؛ با استفاده از (Barton, 2003:4) و (www.aia.org)

Volume 75, Issue 01, Article 3
 12. Crbett, judy (1996). Building Liveable Communities: A Policy-Maker's Guide to Transit-Oriented Development, The Center for Liveable Communities, Sacramento
 13. Donald E. Voth, (2004), Community and Community Development: Parts I to III, Sustainable Community Development Programme: undp evaluation office.
 14. Jeffrey C. Bridger A.E. Luloff, (1992) The Context for Sustainable Communities, toward an interactional approach to sustainable community development, Mc growhill publication.
 15. Moughtin, C. (1992) Urban Design: street and square, Oxford, Butterworth Architecture.
 16. Pourjafar, Mohamad Reza, (1983). Neighborhood Unit Precept and Performance of Sector 22 Chandighrh, The Thesis for the Degree of Bachelor of Architecture, Chandigarh College of Architecture
 17. Mayuko Shimizu, (2003), Key Factors for Sustainable Community Development with Special Reference to Collective Housing Renewal in Senri.
 18. Mark Roseland, (1998), Sustainable community development: integrating environmental, economic, and social objectives, Brill publication, New York.
 19. Tibbalds, F. (1992) Making People-Friendly Towns: improving the public environment in towns and cities, London, Longman Press.
 20. <http://www.aia.org/livable>
 21. <http://www.cdx.org.uk/index.htm>
 22. <http://maaori.com/develop/index.htm>
 23. <http://www.southglos.gov.uk/accessibility/.htm>
 24. <http://tilz.tearfund.org/>
 25. <http://www.eeeee.net/whoweare.htm>
 26. <http://www.uwex.edu/ces/ag/sus/index.html>
 27. <http://www.urbandesignassociates.com/projects/project42/biotech>

اهداف اجتماعات محلی	راهنماها و سیاست‌های طراحی اجتماعات محلی
طراحی در مقیاس انسانی	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد زمینه و فرصتهای لازم برای تشکیل و فعالیت گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی محلی NGOها زمینه‌سازی اعتماد محلی جهت مشارکت و نظارت در امور محله رعایت حریم قلمروهای خصوصی و تفکیک آن از فضای عمومی
فراهم کردن فرصت‌های مختلف انتخاب (تنوع و اختلاط اجتماعی)	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد تسهیلات برای اجرایی نمودن نظرات گروه‌ها و اجتماعات محلی ایجاد تنوع در خانه‌ها، در راستای افزایش حق انتخاب و قابل استطاعت بودن آنها برای ساکنین از لحاظ اقتصادی افزایش تنوع دسترسی به کالا و خدمات مورد نیاز کلیه ساکنین ارتقاء امکانات آموزشی، بهداشتی و فرهنگی و توزیع مکانی مناسب آنها
تشویق گوناگونی فعالیت‌ها	<ul style="list-style-type: none"> استفاده از کاربری‌های مختلط و چندمنظوره بروز نمودن خدمات محلی با رشد روزافزون فن‌آوری ایجاد تنوع در خانه‌ها انعطاف پذیری ساختمان‌ها نزدیکی محل کار و زندگی تضمین فرصت‌های اشتغال متنوع محلی
حفاظت و احیا مراکز شهری موجود	<ul style="list-style-type: none"> تقویت مسیرهای حرکتی پیاده و مختص دوچرخه شناخت پتانسیل‌های استفاده از زمین‌های بایر افزایش کارایی انرژی در ساختمان‌ها ایجاد فضاهای شهری، فضاهای باز و سبز مناسب جهت گردآمدن اهالی و اجتماعات محلی
امکان استفاده از گزینه‌های مختلف حمل و نقل	<ul style="list-style-type: none"> اولویت دهی به پیاده، دوچرخه و حمل و نقل عمومی و ایجاد محدودیت حرکتی سواره داخل بافت مسکونی قطع ارتباط مستقیم مجموعه‌های مسکونی به معابر سواره اصلی تقویت مسیرهای حرکتی پیاده و مختص دوچرخه کاهش اتکاء به اتومبیل و کاهش میزان سفرهای شهری تشویق شیوه زندگی فعال و پر تحرک ایجاد دسترسی بیشتر و تحرک پذیری راحت‌تر
ایجاد فضاهای شهری سرزنده و پویا	<ul style="list-style-type: none"> تشویق شیوه زندگی فعال و پرتحرک (به عنوان مثال پیاده‌روی، ورزش و ...) تشویق مشارکت اجتماعی از طریق ایجاد نمایشگاه‌های محلی ارتقاء سلامت روانی افراد جامعه از طریق ایجاد فضاهای اجتماعی سالم
خلق هویت خاص محله‌ای (حس مکان)	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد زمینه ادراک برای مراجعین جدید با محله از طریق بالا بردن خوانایی سیمای آن تقویت عوامل هویت‌بخش و ویژگی‌های منحصر به فرد و خاص محدوده محلی استفاده از عوامل وحدت بخش برای تثبیت محله به عنوان یک مجموعه یکپارچه
حفاظت از منابع زیست‌محیطی شهری	<ul style="list-style-type: none"> رعایت شیب و توپوگرافی طبیعی زمین در طراحی فضاهای شهری، خیابان‌ها و قطعات مسکونی حذف عناصر آلاینده محیط (آلودگی‌های آب و هوا، آلودگی صوتی و آلاینده‌های بصری) حفاظت و احیا عناصر طبیعی چون رودخانه‌ها، تپه‌ها و ... جلوگیری از وندالیسم
حفاظت از مناظر طبیعی برون‌شهری	<ul style="list-style-type: none"> تجدید استفاده از منابع طبیعی محلی (تقویت سیستم‌های بازیافت محلی) مدیریت پایدار منابع طبیعی مانند آب، انرژی و ... و در نتیجه کاهش تقاضا برای منابع تجدیدنپذیر افزایش استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر برای انرژی و حرارت